

جنایت اِکوساید؛ گذشته، حال و آینده

غلامرضا قلی‌پور* نسرین مهرا**

(تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۲۴)

چکیده

اندیشه جرم‌انگاری اکوساید به عنوان یک جنایت بین‌المللی، برای نخستین بار در دهه ۱۹۷۰ م. مطرح گردید. با وجود این، این ایده سبز به دلیل مخالفت برخی دولت‌های قدرتمند، مقاومت شرکت‌های تجاری بزرگ و چربش گفتمان توسعه اقتصادی بر گفتمان حقوق محیط‌زیست، نتوانست در قالب یک هنجار کیفری بین‌المللی درآید. در زمان تدوین اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (۱۹۹۸) نیز تنها «اکوساید جنگی»، آن نیز به عنوان یکی از مصادیق جنایات جنگی، جرم‌انگاری گردید، که همان نیز با شرایط و محدودیت‌های بسیاری همراه شد، به گونه‌ای که در عمل، تعقیب و محاکمه مرتکبین اکوساید تقریباً ناممکن گشته است. پیامد این امر، بی‌کیفرمانی مرتکبین اکوساید در سراسر جهان و استمرار نابودی تدریجی کره زمین و منابع حیاتی آن است. به منظور پایان دادن به این بی‌کیفرمانی زیست‌محیطی، ضروری است جامعه بین‌المللی اقدام به جرم‌انگاری مستقل اکوساید (در زمان صلح)، به عنوان شدیدترین و مهم‌ترین جرم زیست‌محیطی نموده و رسیدگی به این جنایت را در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قرار دهد.

واژگان کلیدی: اکوساید، اکوساید جنگی، جنایات علیه محیط‌زیست، دیوان کیفری بین‌المللی، جنایت بین‌المللی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، تهران، ایران (نویسنده مسئول):
yasseen1365@gmail.com

** دانشیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

مقدمه

محیط‌زیست جهانی در حال تجربه بحران‌های نوینی است که با بحران‌های پیشین قیاس‌پذیر نیست. گرمایش جهانی، تغییرات آب و هوایی (اقلیمی)،^۱ افزایش غلظت گازهای گلخانه‌ای، آلودگی هوا، ذوب شدن یخچال‌های قطبی، بالا آمدن سطح آب دریاها، نقل و انتقال غیرقانونی پسماندهای خطرناک و سمی، آلودگی دریاها و آب‌های آشامیدنی، تجارت غیرقانونی گونه‌های گیاهی و جانوری،^۲ ویران‌سازی محیط‌زیست در زمان مخاصمات مسلحانه، جنگل‌زدایی، دستکاری ژنتیکی گونه‌های گیاهی و جانوری (جنایات ژنتیکی)،^۳ جوجه‌کشی صنعتی (نابودسازی جوجه‌های نر یک‌روزه)،^۴ بزهکاری زیست‌محیطی^۵ و ... همگی دست به دست هم داده‌اند تا محیط‌زیست - این خانه و میراث مشترک تمامی بشریت - به سمت ویرانی و نابودی تدریجی پیش رود.

این وضعیت اسفناک، که پیامد مستقیم سیاست‌ها و رفتارهای تهاجمی انسان مدرن و فرآیند نوسازی جوامع در دوران پس از انقلاب صنعتی است،^۶ نه تنها امنیت نوع بشر بلکه امنیت سایر

1. See: White, Rob (2018), *New Horizons in Criminology: Climate Change Criminology*, Bristol University Press, Bristol, First publication.

2. See: Lawson, Katherine et al (2014), "Global Impacts of the Illegal Wildlife Trade: The Costs of Crime, Insecurity and Institutional Erosion", *Chatham House*, pp. 3-18.

۳. بنگرید: انگدال، اف. ویلیام (۱۳۹۸)، *بدرهای نابودی: برنامه مخفی دستکاری ژنتیکی*، ترجمه قاسم دلیری، چاپ یکم، تهران، انتشارات ققنوس.

۴. بنگرید: سینگر، پیتر (۱۳۹۶)، *آزادی حیوانات*، ترجمه بهنام خداپناه، چاپ یکم، تهران، انتشارات ققنوس.

۵. بنگرید: گرجی‌فرد، حمیدرضا (۱۳۹۵)، *جرم‌شناسی سبز*، چاپ یکم، تهران، نشر میزان؛ و وایت، راب (۱۳۹۵)، *جرایم زیست‌محیطی فراملی: به سوی جرم‌شناسی جهان‌بوم*، ترجمه حمیدرضا دانش‌ناری، چاپ یکم، تهران، نشر میزان.

۶. بنگرید: گیر، آرن. ای. (۱۳۸۰)، *پسامدرنیسم و بحران زیست‌محیطی*، ترجمه عرفان ثابتی، چاپ یکم، تهران، نشر چشمه.

ساکنان سیاره زمین را نیز در معرض تهدید جدی قرار داده است،^۱ تا جایی که امروزه از تهدیدات زیست محیطی، به عنوان «نگرانی مشترک بشریت» یاد می‌شود. این نگرانی مشترک بشریت مستلزم واکنش مشترک بشریت است. در واکنش به این بحران جهانی، سال‌ها است که «مسئله محیط‌زیست» به یکی از محورهای اصلی سیاست‌گذاری سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای تبدیل شده و تا به امروز نیز معاهدات بی‌شماری جهت مدیریت بحران‌های زیست محیطی و محافظت از زمین به تصویب رسیده است.^۲ با این حال، بحران محیط‌زیست همچنان ادامه یافته و رو به گسترش است.

در این میان، برخی از اندیشمندان حوزه حقوق محیط‌زیست، به منظور مقابله با این وضعیت بحرانی و حمایت بهتر از محیط‌زیست، پیشنهاد جرم‌انگاری «اِکوساید (بوم‌زدایی)»^۳ را مطرح

۱. برخی از نویسندگان برای توصیف این وضعیت، از واژه «جنگ» استفاده نموده و گفته‌اند: «جنگی» که ما علیه سیاره زمین بر پا کرده‌ایم، تهاجمی علیه بهره‌مندی مسالمت‌آمیز از محل سکونت طبیعی تمامی گونه‌ها است» (Metha et al., 2015: 3).

۲. بنگرید: موسوی، سید فضل‌الله (۱۳۹۲) (مترجم)، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، تحقیقی از دانشگاه هاروارد، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.

۳. اصطلاح «اِکوساید» برای نخستین بار در سال ۱۹۷۰ م. از سوی یک زیست‌شناس آمریکایی به نام آرتور دیلیو گالستون (Arthur W. Galston)، در همایش «جنگ و مسئولیت ملی» به کار رفت. در این همایش، گالستون، آسیب‌رسانی و نابودی گسترده بوم‌سازگان را «اِکوساید» نامید. همچنین، وی نقش مؤثری در فراخوانی جهانی برای تدوین یک معاهده بین‌المللی به منظور ممنوع‌سازی اِکوساید داشت (Zirler, 2011: 15; and Crasson, 2017: 39). پس از این بود که نخست‌وزیر سوئد، آلف پالمه (Olof Joachim Palme) نیز در سخنرانی افتتاحیه خود در کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد محیط‌زیست انسان (استکهلم ۱۹۷۲)، به طور صریح، جنگ ویتنام را به عنوان اِکوساید توصیف کرد: «تخریب و نابودی گسترده ناشی از بمباران یکسره و بی‌تمایز، استفاده گسترده از تخریب‌گرها و علف‌کش‌ها، تهاجمی است که گاهی به عنوان اِکوساید توصیف می‌شود، که نیاز به توجه بین‌المللی فوری دارد» (Wijdekop, 2016: 2).

ساختند، تا به عنوان «جنایتی علیه صلح»،^۱ در صلاحیت یک دادگاه کیفری بین‌المللی قرار گیرد. از این رویکرد، وقت آن فرا رسیده بود که گستره حمایت کیفری از هنجارهای حقوق بشر به نسل سوم حقوق بشر (یا حقوق همبستگی) نیز گسترش یافته و نقض شدید و گسترده «حق بر محیط زیست سالم»^۲ نیز به عنوان یک جنایت بین‌المللی شناسایی گردد. به زعم ایشان، جنایت اکوساید^۳ از چنان گستردگی و شدتی برخوردار بود که در ردیف جنایات بین‌المللی ذاتی / اصلی،^۴ یعنی نسل‌زدایی،^۵ جنایات علیه بشریت،^۶ جنایات جنگی^۷ و تجاوز سرزمینی^۸ قرار گیرد.^۹ چراکه دیگر تردیدی بر جای نمانده بود که جنایت اکوساید، «وجدان جامعه بین‌المللی» را

۱. در نوشتارهای انگلیسی، از اکوساید با تعابیری همچون «crime against nature»، «crime against humanity» و «Missing 5th Crime Against Peace» یاد می‌شود.

۲. بنگرید: حجاز لیب، لیندا (۱۳۹۶)، حقوق بشر و محیط زیست: دورنمای فلسفی، نظری و حقوقی، ترجمه رضا امینی، چاپ یکم، تهران، انتشارات سمت.

۳. اصطلاح «اکوساید» از دو واژه یونانی «*oikos*» به معنای «خانه و منزل» و واژه لاتین «*caedere*» به معنای «نابود کردن یا کشتن» ترکیب یافته است. بدین سان، معنای تحت‌اللفظی آن عبارت است از: «نابود کردن خانه» (Kalkandelen et al, 2017: 334). معنای اصطلاحی آن نیز بی‌شبهت به معنای لغوی آن نیست. اکوساید به معنای آسیب‌رسانی یا نابودی گسترده، شدید و ماندگار زیست‌بوم یا عناصر سازنده آن است، به گونه‌ای که بهره‌مندی مسالمت‌آمیز از آن را مختل سازد. با توجه به این تعریف می‌توان اکوساید را به «بوم‌زدایی»، «زیست‌بوم‌زدایی»، «زیست‌بوم‌کشی»، «بوم‌کشی»، «محیط‌زیست‌زدایی» و یا «نابودسازی محیط‌زیست» ترجمه کرد. به نظر می‌رسد معادل «بوم‌زدایی» به دلیل کوتاهی، گیرایی و رسایی آن، بر سایر موارد ارجحیت دارد. گفتنی است در برخی از منابع، برای ترجمه اکوساید از معادل «بوم‌کشی» استفاده شده است (راعی دهقی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۵).

4. Core International Crimes.
5. Genocide.
6. Crimes against humanity.
7. War crimes.
8. Aggression.

۹. بنگرید: صلاحی، سهراب (۱۳۹۵)، حقوق بین‌الملل کیفری، چاپ یکم، تهران، نشر میزان، صص. ۲۲۱-۱۵؛ و

میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۳)، دادگاه کیفری بین‌المللی، چاپ هفتم، تهران، انتشارات دادگستر، صص. ۱۵۲-۸۵.

جریحه‌دار ساخته، «صلح جهانی»، «امنیت بین‌المللی» و «رفاه بشری» را به شدت تهدید نموده^۱ و تأثیری مستقیم بر پیدایش، گسترش و افزایش سایر جنایات بین‌المللی^۲ دارد.^۳ از این رو، زمان آن فرا رسیده بود که اِکوساید به عنوان جنایتی علیه صلح و امنیت بین‌المللی جرم‌انگاری شود. ولی آیا سیاست‌مداران، مدیران بنگاه‌های اقتصادی و شرکت‌های تجاری بزرگ نیز همانند اندیشمندان طرفدار محیط‌زیست می‌اندیشیدند؟ پاسخ به این پرسش در گرو بررسی تاریخ جرم‌انگاری اِکوساید در حقوق بین‌الملل معاصر است، هدفی که این نوشتار به دنبال آن است. پرسش مهم این است که جامعه بین‌المللی تا به امروز چه اقدامی در راستای ممنوع‌سازی و یا جرم‌انگاری جنایت اِکوساید انجام داده است؟ آیا اقدامات صورت گرفته می‌تواند حمایتی مناسب از محیط‌زیست جهانی نموده و مانع از ارتکاب یا تکرار اِکوساید از سوی دولت‌ها (اِکوساید دولتی)، نیروهای نظامی و شبه‌نظامی (اِکوساید نظامی)، شرکت‌های تجاری (اِکوساید شرکتی) و اشخاص حقیقی (اِکوساید شخصی) گردند؟ در صورت عدم کفایت این اقدامات، آیا می‌توان امیدوار بود که در آینده نزدیک، جنایت اِکوساید، به عنوان یک جنایت بین‌المللی، جرم‌انگاری شده و در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی^۴ قرار گیرد؟

در راستای پاسخ به این پرسش‌ها، این نوشتار با رویکرد تاریخی و توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع و اسناد کتابخانه‌ای و مجازی، به دنبال بررسی سیر ممنوع‌سازی و جرم‌انگاری جنایت اِکوساید در تاریخ حقوق کیفری بین‌المللی است، جنایتی که چه به لحاظ عنوان و چه به لحاظ

۱. امروزه امنیت زیست‌محیطی به یکی از هفت شاخص امنیت انسانی تبدیل شده است. بنگرید: تیگرتروم، باربارا فن (۱۳۹۳)، *امنیت انسانی و حقوق بین‌الملل*، ترجمه اردشیر امیرارجمند و همکاران، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد.

2. See: Mason, Simon A. et al (2008), *Linking Environment and Conflict Prevention: The Role of The United Nations*, Full Report, Center for Security Studies (CSS) & Center for Security Studies (CSS), ETH Zürich.

۳. به همین دلیل، شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز غارت محیط‌زیست و بهره‌برداری غیرقانونی از منابع طبیعی جهت تأمین منابع مخاصمات مسلحانه در جمهوری دموکراتیک کنگو را محکوم نموده است (See: SC. Res. 1457, U.N. Doc. (2003) S/RES/1457).

4. International Criminal Court (ICC).

درون‌مایه و تعریف شباهت بسیار زیادی با جنایت ژنوساید (نسل‌زدایی) دارد.^۱ بدین منظور، اقدامات جامعه بین‌المللی در دو دوره پیش از تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی (بخش یکم) و پس از آن (بخش دوم) مطالعه می‌شوند. دلیل انتخاب این تاریخ آن است که تأسیس این دیوان را می‌توان مهم‌ترین رویداد حقوقی در تاریخ حقوق بین‌الملل کیفری به‌طور عام و «حقوق اکوساید»^۲ به‌طور خاص به‌شمار آورد. وانگهی، تلاش فعالان محیط‌زیست و طرفداران جرم‌انگاری اکوساید نیز با تأسیس (۱۹۹۸) و آغاز فعالیت (۲۰۰۲) این دیوان، دوچندان گردیده و آنان در تلاش هستند تا جنایت اکوساید به‌عنوان «جنایت پنجم» یا «پنجمین جنایت علیه صلح»، در صلاحیت این دیوان قرار گیرد.

۱. رویکرد جامعه بین‌المللی نسبت به اکوساید پیش از تأسیس دیوان کیفری

بین‌المللی

نخستین تلاش‌های بین‌المللی در راستای جرم‌انگاری اکوساید تقریباً از همان تاریخی آغاز شد که «مسئله محیط‌زیست» به یکی از نگرانی‌های مهم و مشترک جامعه بین‌المللی تبدیل گردید. به این صورت که همزمان با برگزاری کنفرانس بین‌المللی محیط‌زیست انسان در استکهلم سوئد (۱۹۷۲)، ایده جرم‌انگاری اکوساید نیز در سطح بین‌المللی طرح شد. دلیل این جهش سریع، وقوع یک جنگ زیست‌محیطی تمام‌عیار (اکوساید جنگی)^۳ در همین ایام بود، یعنی جنگ ویتنام. سیاست جنگی بوم‌زدایانه دولت آمریکا در طول این جنگ، موجی از اعتراضات جهانی را به راه انداخت که به نوبه خود سبب ظهور یک گفتمان زیست‌محیطی به‌منظور حمایت کیفری از

1. See: Short, Damien (2016), *Redefining Genocide: Settler Colonialism, Social Death and Ecocide*, Zed Books, First publication, London, pp. 38-67; and Crook, Martin et al. (2014), "Marx, Lemkin and the genocide – ecocide nexus", *The International Journal of Human Rights*, June, Vol. 18, No. 3, pp. 298-319.

2. Law of Ecocide.

3. War Ecocide.

محیط‌زیست در عرصهٔ جامعهٔ بین‌المللی گردید.^۱ در همین راستا، سیاست‌گذاران جنایی بین‌المللی تلاش نمودند تا در برخی از اسناد بین‌المللی، تخریب و ویران‌سازی محیط‌زیست، به ویژه در زمان مخاصمات مسلحانه را در کانون توجه خود قرار داده و حسب مورد اقدام به «ممنوع‌سازی» یا «جرمانگاری» اِکوساید نمایند.

۱-۱. ممنوع‌سازی اِکوساید در حقوق بین‌الملل

منظور از ممنوع‌سازی یا تخلف‌انگاری اِکوساید، اعلام ممنوعیت تخریب و ویران‌سازی شدید، گسترده و ماندگار زیست‌بوم و عناصر سازندهٔ آن، خواه در زمان صلح و خواه در زمان جنگ، از سوی سیاست‌گذاران جنایی بین‌المللی است. در این زمینه، می‌توان چندین سند بین‌المللی را مشاهده نمود که به موضوع اِکوساید پرداخته و این جنایت را به طور صریح یا ضمنی ممنوع ساخته‌اند. هدف اصلی این اسناد، ممنوع نمودن اِکوساید به‌عنوان یک «تخلف بین‌المللی» است، به گونه‌ای که ارتکاب آن می‌تواند زمینهٔ مسئولیت بین‌المللی تابعان حقوق بین‌الملل را فراهم سازد.

۱-۱-۱. ممنوع‌سازی اِکوساید در معاهدهٔ انمود (۱۹۷۶)

به دنبال گسترش فن‌آوری‌های نوین و استفاده از فنون تغییردهندهٔ محیط‌زیست، به ویژه در جریان جنگ ویتنام،^۲ «معاهدهٔ سازمان ملل متحد در زمینهٔ ممنوعیت استفادهٔ نظامی یا سایر استفاده‌های خصمانه از فنون تغییردهندهٔ زیست‌محیطی (۱۹۷۶)»^۳ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. این سند سبز، که در راستای حمایت بین‌المللی از محیط‌زیست در برابر کاربردهای نظامی

1. See: Falk, Richard A. (2018), *Revisiting the Vietnam War and International Law: Views and Interpretations of Richard Falk*, Edited by Stefan Andersson, First Publication, Cambridge University Press.

۲. بنگرید: راسل، برتراند (۱۳۴۷)، *جنایات جنگ در ویتنام*، ترجمهٔ ایرج مهدویان، چاپ یکم، تهران، انتشارات فرهنگ.

3. United Nations Convention on the Prohibition of Military or any other Hostile Use of Environmental Modification Techniques or United Nations Convention on Environmental Modification (ENMOD).

و خصمانه تصویب شد، نخستین اقدام بین‌المللی رسمی در راستای «ممنوع‌سازی اِکوساید» به شمار می‌رود. به موجب ماده ۱ این سند:

«تمامی دولت‌های عضو این معاهده متعهد می‌گردند که در هیچ‌گونه عملیات نظامی یا خصمانه‌ای، به فنون تغییر زیست‌محیطی دارای آثار گسترده، ماندگار یا شدید، در جهت تخریب، صدمه یا آسیب به هر دولت عضو دیگر مبادرت نورزند».

بدین‌سان، جامعه بین‌المللی توانست برای نخستین بار در قالب یک سند بین‌المللی الزام‌آور، اِکوساید را رفتاری مغایر با ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه بین‌المللی دانسته و ممنوع سازد. با این حال، هدف از تصویب این سند، جرم‌انگاری اِکوساید نبود، بلکه اِکوساید تنها به عنوان رفتاری ممنوع، «تخلّف بین‌المللی» و یا «انحراف بین‌المللی» اعلام گردید که حسب مورد می‌توانست به مسئولیت بین‌المللی دولت‌های عضو (نقض تعهد قراردادی) و در حال حاضر، تمامی دولت‌ها (نقض تعهد عرفی)^۱ منجر گردد. نکته مهم اینکه قلمرو این سند محدود به بهره‌برداری نظامی یا خصمانه از محیط‌زیست بود و شامل بهره‌برداری صلح‌آمیز و غیرنظامی نمی‌شد.

نکته دیگری که باید توجه داشت آن است که در این سند برای تحقّق اِکوساید، وجود «یکی» از سه وصف «گسترده‌گی»، «شدت» و «ماندگاری»، کافی دانسته شده است. بنابراین، تحقّق همزمان این سه شرط لازم نیست. این در حالی است که در سایر اسناد بین‌المللی، تحقّق همزمان این سه شرط لازم دانسته شده است. البته این ایراد به معاهده انمود وارد است که هیچ تعریفی از مفهوم «آسیب» و سه وصف «شدید»، «گسترده» و «ماندگار» ارائه نداده است.^۲

۱. در رابطه با عرفی بودن تمامی مقررات این سند اجماع وجود ندارد، هر چند که تردیدی در ممنوعیت اِکوساید به عنوان یک قاعده عرفی نیست.

۲. در کارهای مقدماتی این معاهده، سه وصف یادشده چنین معنا شده‌اند: شدید: دربردارنده جراحی یا لطمه شدید یا مهم برای حیات بشری، طبیعت و منابع اقتصادی یا سایر اموال؛ گسترده: شامل منطقه‌ای در مقیاس چند صد کیلومتر مربع؛ و ماندگار: یعنی دوره چند ماهه یا تقریباً یک فصل (بختیاری اصل، ۱۳۷۸: ۸۹؛ و عبد‌اللهی، ۱۳۸۷: ۱۲۹-۱۲۸).

۱-۱-۲. ممنوع‌سازی اکوساید در حقوق بین‌الملل بشردوستانه

همزمان با ممنوع‌سازی اکوساید در معاهده انمود، جامعه بین‌المللی تدبیر دیگری نیز جهت حمایت بهتر از محیط‌زیست در جریان مخاصمات مسلحانه اندیشید. به این صورت که این بار از رهگذر حقوق بین‌الملل بشردوستانه، اقدام به ممنوع‌سازی اکوساید نموده و گستره قواعد حقوق بشردوستانه را به حمایت از محیط‌زیست نیز توسعه داد. در این راستا، سیاست‌گذار جنایی، در مواد ۳۵ و ۵۵ «پروتکل الحاقی یکم معاهدات چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) مصوب ۱۹۷۷»، برای نخستین بار در تاریخ حقوق بین‌الملل، «محیط‌زیست» را نیز تحت حمایت حقوق بشردوستانه قرار داد. در این رابطه، در بند (۳) ماده ۳۵ این سند مقرر شد:

«استفاده از روش‌ها و ابزارهای جنگی که هدف از آن وارد آوردن خسارات شدید، گسترده و ماندگار به محیط‌زیست طبیعی باشد یا احتمال می‌رود که چنین اثراتی داشته باشد، ممنوع است».

این ماده از یک سو «روش‌های جنگی» (ممنوعیت اولیه) و از سوی دیگر، «ابزارهای جنگی» ای (ممنوعیت ثانویه) را که خسارات شدید، گسترده و دیرپا به محیط‌زیست طبیعی وارد می‌سازند، ممنوع ساخته است. افزون بر این، نه تنها آسیب‌های قطعی و محقق‌الحصول بلکه آسیب‌های احتمالی و مورد انتظار را نیز مشمول این حکم قرار داده است تا دامنه حمایت خود را گسترش داده و از این رهگذر، راه هر گونه عذر و بهانه را بر فرماندهان و فرمانبران ببندد. بنابراین، همین اندازه که مرتکب احتمال می‌دهد که چنین آسیبی به محیط‌زیست وارد خواهد شد کافی است. نکته مهم این است که در این بند هیچ اشاره‌ای به دفاع «ضرورت نظامی» نیز نشده است تا فرماندهان و فرمانبران نتوانند به استناد ضرورت نظامی، اقدام به ارتکاب اکوساید نمایند (راعی دهقی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۴). افزون بر این، این ماده با «رویکردی زیست‌محور»^۱ نگارش یافته و به دنبال حمایت از محیط‌زیست طبیعی (نه انسانی) است.

1. Ecocentric approach.

پروتکل یکم به همین اندازه بسنده ننموده و در ادامه ضمن تأکید بر ضرورت «احتیاط» و «مراقبت زیست محیطی» در زمان مخاصمات مسلحانه و حمایت از غیرنظامیان، مقابله به مثل زیست محیطی را نیز منع نموده است. به موجب ماده ۵۵:

«۱- در هنگام جنگ باید مراقب بود که از محیط زیست طبیعی در برابر آسیب‌های گسترده، ماندگار و شدید حفاظت به عمل آید. این حفاظت، شامل ممنوعیت استفاده از روش‌ها و یا وسایل جنگی می‌شود که منظور از آن وارد آوردن چنین آسیبی به محیط زیست طبیعی بوده، یا احتمال وارد آمدن چنین آسیبی می‌رود و در نتیجه، به سلامت یا بقای سکنة غیرنظامی لطمه بزند.

۲- حمله به محیط زیست طبیعی به عنوان اقدام تلافی جویانه ممنوع است».

به این ترتیب، از رهگذر این دو ماده، نخستین استانداردهای حقوق بشردوستانه زیست محیطی (سبز) در حقوق بین‌الملل معاصر شناسایی و به رسمیت شناخته شده است.

ایرادی مهم که در دو ماده ۳۵ و ۵۵ پروتکل یکم وجود دارد این است که برخلاف معاهده انمود که وجود یکی از سه شرط «گسترده‌گی»، «شدت» و «ماندگاری» را برای تحقق اکوساید کافی دانسته، در این دو ماده تحقق همزمان هر سه شرط لازم دانسته شده است. این پس‌روی تقنینی توجیه‌پذیر نیست، به ویژه اینکه حصول این سه شرط به طور همزمان در عمل بسیار دشوار بوده و همین امر محیط زیست را در برابر حملات نظامی بی‌دفاع می‌سازد. وانگهی، در این سند نیز هیچ تعریفی از این سه وصف کلی و مبهم ارائه نشده است.^۱ در نتیجه، می‌توان گفت مقررات

۱. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، سه آستانه یادشده را به این صورت تفسیر نموده است: «سه عنصر مصوب یعنی طول زمان خسارت، دامنه یا حوزه آنها و شدت یا تأثیر تبعیض آمیز خسارات بر سکنة غیرنظامی بحث‌های زیادی را به وجود آورد. شرط طول یا زمان (که عبارت است از خسارت درازمدت) توسط پاره‌ای از شرکت کنندگان، چند دهه در نظر گرفته شد. پاره‌ای از نمایندگان، بیست یا سی سال را به عنوان حد اقل مورد توجه قرار دادند (...). به هر حال، نمی‌توان با قاطعیت گفت که چه دوره یا زمانی باید در نظر گرفته شود. در مورد عنصر گسترده‌گی خسارت، آنها باید حد اقل صدها کیلومتر [را دربر گیرند] و در مورد عنصر شدت خسارات بایستی منتهی به آسیب جدی بر حیات بشری و طبیعت یا دیگر منابع شوند» (عبداللهی، ۱۳۸۷:

پروتکل یکم از هر جهت نامناسب‌تر از مقررات معاهده انمود بوده و حمایت کم‌تری از محیط‌زیست به عمل می‌آورد.^۱

نکته دیگر آنکه پروتکل یکم با وجود حمایت از محیط‌زیست، از صرف ممنوع‌سازی اکوساید فراتر نرفته است. توضیح اینکه این سند اگرچه برخی رفتارهای دیگر را جرم‌انگاری نموده، ولی در زمان شمارش و جرم‌انگاری «تخلّفات عمده» یا «نقض فاحش» مقررات حمایتی خود، به نقض ماده ۳۵ و ۵۵ اشاره نکرده است (Lawrence et al, 2007: 11). در نتیجه، می‌توان گفت جامعه بین‌المللی در این تاریخ نیز از جرم‌انگاری اکوساید ناتوان مانده است.

با وجود این، نفس ورود موضوع محیط‌زیست به «منشور حقوق بشردوستانه بین‌المللی» یا «قانون اساسی حقوق بشردوستانه» را باید به خودی‌خود گام بزرگی در راستای حمایت از محیط‌زیست به شمار آورد. از رهگذر تصویب این سند، برای نخستین بار قواعد بشردوستانه زیست‌محیطی به منظومه حقوق بشردوستانه بین‌المللی راه یافته و تابعان حقوق بین‌الملل پذیرفتند که یکی از موضوعات مورد حمایت حقوق بشردوستانه، محیط‌زیست است. بدین ترتیب، شاخه جدیدی از حقوق بشردوستانه، تحت عنوان «حقوق بشردوستانه زیست‌محیطی» یا «حقوق بشردوستانه سبز» شکل گرفت که هدف اصلی آن، همانا حمایت از محیط‌زیست در زمان مخاصمات مسلحانه است. به جرأت می‌توان گفت همین ممنوع‌سازی و تخلّف‌انگاری اکوساید بود که به تدریج بستر جرم‌انگاری آن را در حقوق بین‌الملل نوین فراهم ساخت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

۱۲۵). بنابراین، تفسیر ارائه شده از سه آستانه اساسی اکوساید، گاه متفاوت از آن چیزی است که در مذاکرات مقدماتی معاهده

انمود ارائه شده است. این دوگانگی هنجاری و پس‌روی تقنینی و تفسیری، مایه شگفتی است.

۱. بنگرید: هنکرتز و همکاران (۱۳۹۱)، حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی، جلد یکم: قواعد، ترجمه دفتر امور بین‌الملل قوه

قضائیه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد، صص. ۲۶۴-۲۴۴.

۲-۱. جرم‌انگاری اِکوساید در حقوق بین‌الملل

در کنار اسنادِ تخلف‌انگار، اسنادی وجود دارند که درصدد جرم‌انگاری اِکوساید به عنوان یک جنایت بین‌المللی و تعقیب، محاکمه و کیفردهی مرتکبین آن به عنوان «دشمنان نوع بشر»^۱ برآمده‌اند.^۲ اگرچه برخی از این اسناد از مرحله «پیش‌نویسی» یا «جرم‌انگاری پیش‌نویسی» فراتر نرفته‌اند، با این حال، یا دلالت آشکاری بر وجود یا شکل‌گیری یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی دارند و یا اینکه درون‌مایه آنها به سایر اسناد جرم‌انگار راه یافته است. در این قسمت، این اسناد کیفری بررسی می‌شوند.

1. *Hostis humani generis*: enemy of mankind.

۲. گفتنی است که در برخی از معاهدات بین‌المللی یا منطقه‌ای، پاره‌ای از رفتارهای ضد محیط‌یستی جرم‌انگاری شده‌اند. با

وجود این، در هیچ یک از این اسناد، از اِکوساید سخنی به میان نیامده است. این معاهدات عبارتند از:

- بند (۲) ماده ۷ معاهده پیشگیری از آلودگی دریایی ناشی از ریختن پسماندها و دیگر مواد مصوب ۲۹ دسامبر ۱۹۷۲؛
- ماده ۴ معاهده راجع به پیشگیری از آلودگی دریایی ناشی از کشتی‌ها مصوب ۱۹۷۳ (معاهده مارپُل)؛
- زیربند (الف) بند (یک) ماده ۸ معاهده تجارت بین‌المللی گونه‌های حیوانی و گیاهی وحشی در معرض خطر نابودی مصوب ۱۹۷۳ (معاهده سایتس)؛
- بند (۵) ماده ۹ معاهده بازل در زمینه کنترل انتقالات فرامرزی پسماندهای خطرناک و دفع آنها مصوب ۲۲ مارس ۱۹۸۹ (معاهده بازل)؛
- بند (۲) ماده ۹ معاهده باماکو در زمینه کنترل انتقالات فرامرزی و مدیریت پسماندهای زیان‌آور در افریقا مصوب ۱۹۹۱ (معاهده باماکو)؛
- مواد ۲، ۳ و ۴ معاهده شورای اروپا با عنوان حمایت از محیط‌زیست از طریق حقوق کیفری مصوب ۱۹۹۸ (معاهده استراسبورگ) (عبدالهی، ۱۳۸۷: ۱۳۷-۱۲۹). تردیدی نیست که هر یک از این رفتارها، در صورت شدت، گستردگی و ماندگاری آسیب زیست‌محیطی، می‌تواند وصف اِکوساید به خود گیرد.

۱-۲-۱. سکوت اساسنامه‌های دیوان‌های بین‌المللی نظامی نورنبرگ (۱۹۴۵) و توکیو (۱۹۴۶)

این دو سند به منظور تعقیب و محاکمه جنایات ارتكابی دولت‌های محور در جریان جنگ جهانی دوم به تصویب دولت‌های پیروز رسیده و دو دیوان بین‌المللی نظامی را جهت رسیدگی به سه دسته جنایت، یعنی «جنایات علیه صلح (تجاوز سرزمینی)»، «جنایات علیه بشریت» و «جنایات جنگی» بنیان نهادند (کیتی‌شیازری، ۱۳۸۳: ۵۰-۴۲). با بررسی اساسنامه این دو دیوان آشکار می‌شود که در هیچ یک از آنها، اِکوساید حتی به عنوان مصداقی از سایر جنایات بین‌المللی جرم‌انگاری نشده است. تنها متن مرتبط با اِکوساید، بخشی از ماده ۶ این دو سند است که ذیل عنوان «جنایات جنگی»، «... چپاول اموال عمومی یا خصوصی، تخریب بی‌ملاحظه شهرها، شهرک‌ها یا روستاها یا تخریبی که به استناد ضرورت‌های نظامی نتوان آن را توجیه کرد» (کیتی‌شیازری، ۱۳۸۳: ۶۱۷) را نیز جرم‌انگاری نموده است.

به موجب این بند، این امکان وجود داشت که عبارات «چپاول اموال عمومی»، «تخریب بی‌ملاحظه شهرها، شهرک‌ها یا روستاها» و «تخریبی که به استناد ضرورت‌های نظامی نتوان آن را توجیه کرد»، شامل تخریب محیط‌زیست و غارت منابع طبیعی نیز گردد. به بیان دیگر، دو دیوان با تفسیر و خوانشی سبز یا زیست‌محیطی^۱ از این قسمت این ماده می‌توانستند نابودی جنگل‌ها، دشت‌ها، کشتزارها و مراتع، آلوده‌سازی دریاها و رودخانه‌ها و کشتار حیوانات را، چنانچه خارج از ضرورت‌های نظامی باشد، جنایات جنگی به شمار آورند که در عمل نیز چنین شد. توضیح اینکه دیوان نورنبرگ در زمان رسیدگی به اتهامات ژنرال آلفرد یودل^۲، به موضوع «تخریب محیط‌زیست» نیز رسیدگی نمود. یودل متهم بود که در سرزمین‌های شمال نروژ و لنینگراد، به «سیاست زمین سوخته» متوسل شده است. با وجود این، وی به دفاع «ضرورت نظامی» استناد نمود و دیوان نیز پس از رسیدگی به این نتیجه رسید که یودل هر چند به اشتباه ولی صادقانه بر این باور

1. Green or Environmental Interpretation.

2. General Alfred Jodl.

بوده که به دلیل وجود ضرورت نظامی، این اقدامات توجیه پذیر هستند (Lawrence et al, 2007: 9). در نتیجه، به استناد همین دفاع، وی را از این اتهام تبرئه کرد.^۱

به همین سان، دیوان نظامی ایالات متحده آمریکا، مستقر در نورنبرگ - که مسئول رسیدگی به جنایات بین‌المللی مجرمین خرد بود - ژنرال لوئار رندولیچ^۲ را با استدلال مشابهی تبرئه نمود. وی نیز متهم به تخریب محیط زیست از رهگذر اجرای سیاست زمین سوخته در فینمارک و نروژ بود.^۳ دیوان به این نتیجه رسید که رندولیچ هر چند به اشتباه ولی به طور معقولی بر این باور بوده که این حمله ضرورت داشته است (Lopez, 2006: 247-248). گفتنی است برخی از حقوق دانان حکم تبرئه ژنرال یودل در دیوان نورنبرگ و ژنرال لوئار رندولیچ در دیوان امریکایی را قانع کننده ندانسته‌اند (Lawrence et al, 2007: 9).

خلاصه آنکه با وجود توجه دیوان نورنبرگ به تعقیب جنایات زیست محیطی، جنایت اکوساید در اساسنامه این دو دیوان مورد توجه قرار نگرفته بود؛ چراکه اساساً در آن تاریخ، اکوساید به عنوان یک جنایت بین‌المللی شناسایی نشده بود. در نتیجه، می‌توان گفت اساسنامه این دو دیوان بین‌المللی نظامی، در خوش بینانه‌ترین حالت، به حمایت غیرمستقیم از محیط زیست طبیعی یا انسانی و شهری پرداخته‌اند. به بیان دیگر، حداکثر بُرد این بند، شناسایی ضمنی اکوساید جنگی است.

1. Prosecution of Alfred Jold, Trial of German Major War Criminals: Judgement of the International Military Tribunal Sitting in Nuremberg Germany, Nov. 14, 1945 – Oct. 1, 1946, First indictment.

2. General Lothar Rendulic.

3. Trials of War Criminals before the Nuremberg Military Tribunal under Control Council Law No. 10, pt. XI, at 1297 (1949) Trial of General Lothar Rendulic.

۱-۲-۲. جرم‌انگاری اکوساید در پیش‌نویس معاهده بین‌المللی در زمینه جنایت اکوساید (۱۹۷۳)

همزمان با برگزاری کنفرانس سازمان ملل متحد در زمینه محیط‌زیست انسان در استکهلم سوئد (۱۹۷۲) و در واکنش به اقدام شرم‌آور آمریکا در سرزمین ویتنام، پیش‌نویس پیمان‌نامه اکوساید، به ابتکار شخصی به نام ریچارد ای. فالک^۱ تدوین گردید. تلاش فالک بر آن بود که جامعه بین‌المللی، همانند جنایت نسل‌زدایی، جنایت بوم‌زدایی را نیز جرم‌انگاری نماید (Higgins et al, 2013: 9).^۲ به همین دلیل، متن این پیش‌نویس نیز شبیه متن «معاهده پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌زدایی (۱۹۴۸)» تنظیم شده بود. در ماده (۲) این پیش‌نویس، اکوساید چنین تعریف شده بود:

«در این معاهده، اکوساید به معنای هر یک از اعمال زیر است که با قصد اخلال یا ویرانی، کلی یا جزئی، یک زیست‌بوم انسانی ارتکاب یابد:

الف) به کارگیری تسلیحات تخریب‌انبوه، اعم از هسته‌ای، باکتریولوژیکی، شیمیایی و سایر موارد؛

ب) به کارگیری علف‌کش‌های شیمیایی جهت برگ‌زدایی یا جنگل‌زدایی جنگل‌های طبیعی به منظور اهداف نظامی؛

پ) به کارگیری بمب‌ها و توپخانه به میزان، شدت یا اندازه‌ای که به کیفیت خاک آسیب رسانده یا احتمال بیماری‌های خطرناک برای موجودات انسانی، جانوران یا محصولات را افزایش دهد؛

ت) به کارگیری تجهیزات تخریب‌گر جهت تخریب قطعات بزرگی از جنگل یا زمین کشاورزی به منظور اهداف نظامی؛

1. Richard A. Falk.

2. See: Falk, Richard A. (1974), "Ecocide, Genocide, and the Nuremberg Tradition of Individual Responsibility", In: *Philosophy, Morality, and International Affairs: Essays Edited for the Society for Philosophy and Public Affairs*, edited by Virginia Held, New York, Oxford University Press, pp. 123-137.

ث) به کارگیری فنونی که جهت افزایش یا کاهش بارش باران طراحی شده یا در غیر این صورت آب و هوا را به عنوان یک سلاح جنگی تغییر می‌دهد؛

ج) جابه‌جایی اجباری موجودات انسانی یا جانوران از مکان‌های سکونت همیشگی شان به منظور سرعت بخشی به پیشبرد اهداف نظامی یا صنعتی» (Falk, 1973: 21).

این تعریف در واقع توصیف جنایی رویدادهای زیست محیطی ارتكابی در جریان جنگ ویتنام است. به بیان دیگر، پیش‌نویس فالک به لحاظ شکلی برگرفته از معاهده پیشگیری و کیفر نسل‌زدایی و به لحاظ ماهوی برگرفته از حوادث ویتنام است.

گفتنی است در کنار ماده ۲ این سند، که به جرم‌انگاری جنایت کامل اِکوساید پرداخته، ماده ۳ رفتارهای ناقص اِکوساید را نیز جرم‌انگاری نموده است. به این صورت که چهار رفتار «تبانی جهت ارتكاب اِکوساید»، «تحریک مستقیم و علنی به ارتكاب اِکوساید»، «شروع به ارتكاب اِکوساید» و «همدستی در اِکوساید» قابل مجازات دانسته شده بود (Falk, 1973: 21). با وجود این، این پیش‌نویس به دلیل عدم تمایل دولت‌ها و همچنین نبودن گفتمان محیط‌زیست نتوانست در قالب سندی الزام‌آور درآید. در نتیجه، اندیشه جرم‌انگاری اِکوساید، در آن مقطع زمانی نیز با شکست روبه‌رو شد. با این حال، همین تلاش‌ها، فشارها و ابتکارهای خصوصی سبب شد تا سازمان ملل متحد و به ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل، از دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۶، توجه ویژه‌ای به جرم‌انگاری اِکوساید نموده و آن را در «پیش‌نویس طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها» و «پیش‌نویس کُد جنایات علیه صلح و امنیت بشری» درج نماید.

۱-۲-۳. جنایت‌انگاری اِکوساید در پیش‌نویس طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها

(۱۹۷۶)

از نخستین تلاش‌های جامعه بین‌المللی در راستای جنایت‌انگاری اِکوساید، می‌توان به «پیش‌نویس طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها» (۱۹۷۶) اشاره کرد. در این سند برای نخستین بار رفتارهای ویران‌گر محیط‌زیست، به عنوان نقض هنجارهای اساسی و بنیادین جامعه بین‌المللی و

به تعبیر بهتر، «جنایت بین‌المللی» توصیف شد (مک کالیون، ۱۳۸۳: ۱۸۱-۱۸۰). به موجب ماده ۱۹ این سند:

«۱- آن دسته از رفتارهای دولت، که به منزله نقض تعهدات بین‌المللی تلقی می‌گردند، صرف‌نظر از موضوع تعهد نقض شده، رفتار متخلفانه بین‌المللی به شمار می‌روند؛

۲- اگر رعایت یک تعهد بین‌المللی آنچنان برای حمایت از منافع بنیادین جامعه بین‌المللی ضروری باشد که جامعه بین‌المللی در کلیت خود، نقض آن را به عنوان جنایت شناسایی کرده باشد، چنین نقضی جنایت بین‌المللی به شمار می‌رود؛

۳- طبق بند (۲) و بر اساس قواعد جاری حقوق بین‌المللی، جنایت بین‌المللی ممکن است از موارد زیر ناشی شود:

(الف) (...)

(ب) (...)

(پ) (...)

ت) نقض شدید تعهدات بین‌المللی که رعایت آنها برای محافظت از محیط‌زیست انسانی اهمیت اساسی دارد، مانند ممنوعیت آلودگی گسترده فضا یا دریاها.

۴. هر رفتار متخلفانه بین‌المللی که طبق بند دوم جنایت بین‌المللی به شمار نرود تخلف بین‌المللی است.»

به این ترتیب، موضوع تخریب محیط‌زیست برای نخستین بار هم‌ردیف رفتارهای ممنوعی همچون تجاوز سرزمینی، نسل‌زدایی، بردگی، جداسازی نژادی، ممنوعیت استقرار یا حفظ قهری سلطه استعماری و ... قرار گرفت. این اقدام کمیسیون بیانگر این نکته بود که موضوع محافظت از محیط‌زیست به یکی از مهم‌ترین ارزش‌های بین‌المللی تبدیل شده است، تا جایی که می‌توان گفت با توجه به قاعده آمره بودن قواعدی چون منع نسل‌زدایی، منع تجاوز سرزمینی، منع تبعیض نژادی و ...، ممنوعیت آلودگی گسترده و شدید محیط‌زیست (یا همان ممنوعیت اِکوساید)



نیز به عنوان قاعده آمره (قاعده آمره سبز) به شمار رفته و یا طراحان این سند چنین اندیشه‌ای در سر داشته‌اند.

در این ماده اگرچه از اصطلاح اکوساید استفاده نشده است، ولی در اقدامی ارزشمند، نقض «شدید» تعهدات زیست‌محیطی، «که رعایت آنها برای محافظت از محیط‌زیست انسانی اهمیت اساسی دارد»، تهدیدی علیه «منافع بنیادین جامعه بین‌المللی» به شمار رفته و «جنایت بین‌المللی» به شمار آمده است. همین اندازه کافی است تا به استناد این بند، اکوساید نیز جنایتی بین‌المللی به شمار آید؛ زیرا گستره شمول این بند بسیار فراتر از قلمرو شمول جنایت اکوساید است. بنابراین، وقتی رفتارهای پایین‌تر از اکوساید مشمول این بند باشند، به طریق اولی اکوساید نیز مشمول آن خواهد بود. نکته جالب آنکه گستره این هنجار حقوقی، محدود به زمان جنگ نیز نشده است. در نتیجه، تخریب و آلودگی محیط‌زیست در زمان صلح نیز یک جنایت بین‌المللی به شمار رفته است. از همه مهم‌تر اینکه این پیش‌نویس به دنبال تعیین قواعد مسئولیت «دولت‌ها» بود نه اشخاص حقیقی. به بیان دیگر، این سند به طور ضمنی به دنبال تسهیل شناسایی مسئولیت کیفری دولت‌ها نیز بود که با مخالفت شدید برخی دولت‌ها مواجه گردید.^۱ بدیهی است وقتی ارتکاب رفتاری از سوی یک دولت جنایت بین‌المللی به شمار آید، ارتکاب آن از سوی اشخاص حقیقی یا حقوقی غیردولتی نیز به طریق اولی جنایت بین‌المللی دانسته خواهد شد.

البته باید اشاره شود در نسخه‌های بعدی این طرح، این رویکرد آرمان‌گرایانه برچیده شده و الگوی حقوقی نوینی جایگزین آن گردید. توضیح اینکه کمیسیون حقوق بین‌الملل در متن پیش‌نویسی که در سال ۲۰۰۱ منتشر نمود، ماده ۱۹ را تغییر داده و سخنی از نقض شدید تعهدات

۱. گفتنی است این سند یک سند کیفری نبوده و به دنبال جرم‌انگاری کیفری نیست. با این حال، در تدوین آن عمداً از ادبیات حقوق کیفری (جنایت، جنحه و ...) استفاده شده است. به نظر می‌رسد تدوین کنندگان این سند درصدد ایجاد هم‌گرایی حقوقی میان دو رژیم حقوقی مسئولیت بین‌المللی دولت و مسئولیت کیفری فردی بودند.

زیست‌محیطی نیز به میان نیاورد.^۱ با وجود این، آنچه از منظر جرم‌انگاری جنایت اِکوساید مهم است این است که در این سند از یک سو رفتارهای زیان‌بار علیه محیط‌زیست برای نخستین بار «جنایت بین‌المللی» به شمار رفت و از سوی دیگر، در ردیف جنایاتی چون نسل‌زدایی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و ... قرار گرفت که خود بهترین دلیل بر آن بود که اِکوساید از آستانه لازم برای جرم‌انگاری به عنوان یک جنایت بین‌المللی برخوردار است. در نتیجه، ضروری بود که سیاست‌گذار جنایی بین‌المللی، سیاست نسبتاً مشابهی را در این زمینه اتخاذ نموده و اِکوساید را نیز جرم‌انگاری نماید، سیاستی که در «پیش‌نویس کُد جنایات علیه صلح و امنیت بشری» به وضوح تجلّی یافت.

۱-۲-۴. جرم‌انگاری اِکوساید در پیش‌نویس کُد جنایات علیه صلح و امنیت بشری مهم‌ترین اقدام جامعه بین‌المللی در راستای جرم‌انگاری اِکوساید، در قالب «پیش‌نویس کُد (قانون‌نامه) جنایات علیه صلح و امنیت بشری» نمایان شد. این سند، که نخستین اقدام جامعه بین‌المللی برای تدوین و قانون‌مندسازی حقوق کیفری ماهوی بین‌المللی نیز به شمار می‌رود (ممتاز، ۱۳۷۳: ۱۶۸-۱۴۳؛ و نجفی ابرندآبادی و همکاران، ۱۳۷۳: ۲۸۰-۲۳۹)، توجه ویژه‌ای به موضوع اِکوساید نموده و در دو نسخه از سه نسخه ارائه شده از آن، جنایات علیه محیط‌زیست جرم‌انگاری شده است که به ترتیب بررسی می‌شوند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

۱. بنگرید: کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد (۱۳۹۰)، مسئولیت بین‌المللی دولت: متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل، ترجمه علیرضا ابراهیم گل، چاپ سوم، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش؛ و کرافورد، جیمز (۱۳۹۵)، حقوق مسئولیت بین‌المللی (قواعد عمومی)، ترجمه علیرضا ابراهیم گل و همکاران، چاپ یکم، تهران، انتشارات سنگلج قلم.

۱-۲-۴-۱. پیش‌نویس ۱۹۵۴: غفلت از اکوساید

نخستین پیش‌نویس کُد جنایات علیه صلح و امنیت بشری، در سال ۱۹۵۴، از سوی کمیسیون حقوق بین‌المللی تهیه و تدوین گردید.^۱ با وجود این، به دلیل عدم امکان ارائه تعریفی از جنایت تجاوز سرزمینی، ادامه این کار از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۸۲ دچار وقفه شد (Gauger et al, 2012: 9). در این پیش‌نویس، اگرچه رفتارهایی همچون نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی، جرم‌انگاری شده بود، ولی موضوع «جنایات علیه محیط‌زیست»، چه به عنوان جنایتی مستقل و چه به عنوان مصداقی از جنایات دیگر، مورد توجه واقع نشده بود. دلیل آن نیز روشن بود؛ در آن تاریخ، بحران‌های زیست‌محیطی هنوز به دغدغه اصلی جامعه بین‌المللی تبدیل نشده بودند. از این رو، کمیسیون عمدتاً بر روی نقض شدید و گسترده نسل یکم حقوق بشر (حقوق مدنی و سیاسی) تمرکز داشت و حمایت کیفری از نسل سوم حقوق بشر (حقوق همبستگی) هنوز در دستور کار آن قرار نگرفته نبود.

۱-۲-۴-۲. پیش‌نویس ۱۹۹۱: جرم‌انگاری کامل اکوساید

در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰م. مطالعات و مذاکرات گسترده‌ای در سازمان ملل متحد صورت گرفت تا «معاهده پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌زدایی (۱۹۴۸)» توسعه یافته و اکوساید را نیز دربر گیرد (Gauger et al, 2012: 6). این رویکرد قابل بر آن بود که با توجه به مشابهت شکلی و ماهوی این دو جنایت، بهتر است که هر دو جرم‌انگاری شوند. با وجود این، این تلاش به نتیجه مطلوب نرسید تا اینکه با آغاز کار مجدد کمیسیون حقوق بین‌الملل بر روی «پیش‌نویس کُد جنایات علیه صلح و امنیت بشری»، در سال ۱۹۸۵ توصیه شد که جنایت اکوساید نیز در این پیش‌نویس درج شود. این پیشنهاد مورد استقبال قرار گرفته و در سال بعد اکوساید به عنوان «نقض شدید یک تعهد بین‌المللی با اهمیت اساسی به منظور نگه‌داری و محافظت از محیط‌زیست انسان»، در این سند تعریف شد (Wijdekop, 2016: 2). در این دوران، سه الگوی حقوقی در رابطه با

1. Draft Code of Offences against the Peace and Security of Mankind (1954).

جرم‌انگاری اِکوساید ظهور یافت. الگوی نخست این بود که اِکوساید به عنوان جنایتی مستقل جرم‌انگاری شود؛ الگوی دوّم اِکوساید را مصداقی از جنایات علیه بشریت به شمار می‌آورد؛ و الگوی سوّم نیز اِکوساید را در ذیل جنایات جنگی قرار می‌داد. در نهایت، کمیسیون، در نسخه دوّم این سند، که در سال ۱۹۹۱ تهیّه و منتشر شد، الگویی بینابین را برگزید. به این صورت که از یک سو اِکوساید را به عنوان جنایتی مستقل جرم‌انگاری کرد و از سوی دیگر، آن را مصداقی از جنایات جنگی به شمار آورد که در ادامه به شرح این دو الگوی حقوقی پرداخته می‌شود.

۱-۲-۴-۲-۱. اِکوساید به عنوان جنایتی مستقل

در این سند، مهم‌ترین اقدامی که در راستای جرم‌انگاری اِکوساید انجام شد این بود که اِکوساید از سایر جنایات بین‌المللی، مانند جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی تفکیک گردیده و تحت عنوان «آسیب‌های شدید و عمدی به محیط‌زیست» به صورت مستقل جرم‌انگاری گردید. این اقدام، در تاریخ حقوق کیفری بین‌المللی، تا به امروز (۲۰۱۹) مانند نداشته است. افزون بر این، این سند از «اِکوساید جنگی» فراتر رفته و به جرم‌انگاری اِکوساید در زمان صلح (و بدین‌سان در زمان مخاصمات مسلحانه داخلی) نیز پرداخت که پیشرفت مهمی در تاریخ «حقوق اِکوساید» بود. برای نخستین بار بود که اِکوساید در زمان صلح جرم‌انگاری می‌گردید. به موجب ماده ۲۶ این سند:

«هر کس عمداً موجب ورود خسارات و آسیب‌های گسترده، دیرپا و شدید به محیط‌زیست طبیعی گردد یا دستور ایراد چنین آسیب‌هایی را صادر کند، در صورت اثبات، (به ...) محکوم خواهد شد».

بر اساس این ماده، اِکوساید از حیث رکن روانی، جرمی عمدی به شمار آمده بود، به این معنا که مرتکب اِکوساید باید خسارت و آسیب را به طور عمدی وارد نماید. از حیث رکن مادی نیز تحقق این جنایت منوط به تحقق سه شرط شده بود: شدت، ماندگاری و گستردگی. بدین‌سان، می‌توان گفت رفتارهای زیان‌بار زیست‌محیطی، زمانی اِکوساید به شمار می‌رفتند که دارای چهار

ویژگی باشند: الف) گسترده باشند (ضابطه اندازه و گستره)؛^۱ ب) ماندگار باشند (ضابطه زمان)؛^۲ پ) شدید باشند (ضابطه تأثیر)؛^۳ و ت) عمدی باشند (ضابطه قصد).^۴ در نتیجه، سایر رفتارها از شمول جنایت اکوساید خارج بودند.

نکته دیگر اینکه بر اساس این ماده، اکوساید ممکن بود به دو صورت ارتکاب یابد: «اکوساید مباشرتی (مستقیم)» و «اکوساید نیابتی (غیرمستقیم)» که هر دو صورت آن جرم‌انگاری شده بود. در گونه نخست، خود شخص اقدام به ارتکاب اکوساید می‌نماید، ولی در گونه دوم، فقط دستور ارتکاب آن را به زیردستان خود صادر می‌نماید. این تفکیک در جرم‌انگاری اکوساید بسیار مهم است؛ زیرا مطالعات جرم‌شناختی^۵ نشان می‌دهند که بخش عمده‌ای از اکوسایدها، به دستور فرماندهان نظامی (اکوساید نظامی)، رهبران سیاسی (اکوساید دولتی) و یا مدیران شرکت‌های بزرگ (اکوساید شرکتی) ارتکاب می‌یابد. هدف از این تفکیک آن است که عناصر پشت پرده و طراحان اصلی اکوساید نتوانند از مسئولیت کیفری فرار کنند.

گفتنی است این ماده با وجود محاسن بسیار، دو ایراد مهم داشت. نخست اینکه تحقق اکوساید منوط به تحقق همزمان سه وصف «شدت»، «گسترده‌گی» و «دیرپایی» شده بود که آستانه بسیار بالایی بود. شاید دلیل اینکه در این سند، برخلاف معاهده انمود، از الگوی متفاوتی استفاده شده، آن است که این سند رویکرد کیفری دارد. از این رو، سیاست‌گذار جنایی آستانه بالایی را برای تحقق اکوساید در نظر گرفته است تا از یک سو رفتار ارتكابی از حیث شدت و گسترده‌گی با

1. Size.

2. Duration.

3. Impact.

4. Intention.

۵. بنگرید: شمولرز، آلت و هاومن، رولف (ویراستاران) (۱۳۹۶)، جرم‌شناسی فراملی: به سوی جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی،

ترجمه گروهی از پژوهشگران علوم جنایی، به کوشش حمیدرضا نیکوکار، چاپ یکم، تهران، نشر میزان؛ و بانتکاس، الیاس

و میلوناکی، امانوئلا (ویراستاران) (۱۳۹۸)، رویکردهای جرم‌شناختی به حقوق بین‌المللی کیفری، ترجمه گروهی از

پژوهشگران علوم جنایی، به کوشش حمیدرضا نیکوکار، چاپ یکم، تهران، نشر میزان.

سایر جنایات بین‌المللی برابری نماید و از سوی دیگر، با مخالفت دولت‌ها مواجه نشود. دوّم اینکه هیچ تعریفی از این سه مفهوم کلی و مبهم ارائه نشده بود، که نفس این امر خلاف اصل قانونی بودن جرم و مجازات و اصل لزوم شفّاقیت قوانین کیفری بود.

۱-۲-۴-۲. اِکوساید به عنوان جنایت جنگی

این سند کیفری، در گامی دیگر، اِکوساید را به عنوان یکی از مصادیق جنایات جنگی نیز جرم‌انگاری نموده بود. به این صورت که در زیربند (۲) از بند (ت) ماده ۲۲، به کارگیری روش‌ها و جنگ‌افزارهای ویران‌گر محیط‌زیست را جنایت جنگی دانسته و چنین مقرر نموده بود: «به کارگیری روش‌ها یا جنگ‌افزارهایی که خسارت بالفعل یا بالقوه^۱ گسترده، دیرپا و شدید بر محیط‌زیست طبیعی به جا خواهند گذاشت [جنایت جنگی است].»

این بند به دنبال جرم‌انگاری اِکوساید جنگی است. اِکوساید جنگی، همان گونه که از عنوان آن نیز برمی‌آید، در بستر مخاصمات مسلحانه واقع می‌شود. در این راستا، از یک سو استفاده از «روش‌هایی» که منجر به ایراد آسیب گسترده، ماندگار و شدید به محیط‌زیست می‌شود، جرم‌انگاری شده و از سوی دیگر، استفاده از «ابزارهایی» که چنین پیامدی دارند، به عنوان اِکوساید جنگی به شمار آمده بود. از رهگذر این بند، سیاست‌گذار جنایی تلاش کرده بود تا گستره حمایتی خود از محیط‌زیست را به زمان مخاصمات مسلحانه نیز توسعه دهد. این جرم‌انگاری مضاعف یا راهبرد دوگانه (دوگانه‌سازی اِکوساید) به دلیل آن است که منابع و بنیان‌های حقوقی جرم‌انگاری این دو گونه اِکوساید یکسان نبوده‌اند.

گفتنی است در این ماده نیز همان ایرادهای ماده ۲۶، یعنی ضرورت تحقّق همزمان هر سه شرط یادشده و عدم ارائه تعریفی از این سه مفهوم، به قوّت خود باقی مانده است! افزون بر این، این ماده فقط شامل مخاصمات مسلحانه بین‌المللی است. در نتیجه، ارتکاب اِکوساید در بستر مخاصمات مسلحانه داخلی جرم‌انگاری نشده است (مگر اینکه آن را مشمول ماده ۲۶ بدانیم). با

۱. در ماده ۲۶ تفکیکی بین خسارت بالفعل و بالقوه وجود ندارد.

این حال، وجود این ایرادها نمی‌تواند چیزی از ارزش ذاتی و اهمیت کار کمیسیون بکاهد. چراکه «صرف این تفکر که آلودگی محیط‌زیست می‌تواند در سطح بین‌المللی جنبه کیفری داشته باشد، نسبت به چند دهه قبل، که محیط‌زیست و به ویژه مشترکات عمومی به عنوان مظلوم‌ترین قربانی پیشرفت علم و تکنولوژی یا جنگ‌افروزی دولت‌ها به شمار می‌رفت، اقدامی مهم تلقی می‌شود» (زمانی، ۱۳۸۱: ۴۳)، به ویژه اینکه نسخه ۱۹۹۱ سبزترین سند کیفری در طول تاریخ حقوق کیفری بین‌المللی تا به امروز است. زیرا در این سند، هر دو گونه اکوساید، یعنی اکوساید عادی (غیرجنگی) و اکوساید جنگی جرم‌انگاری شده است. وانگهی، این مواد با رویکردی زیست‌محور نگارش یافته و هدف از آن نیز حمایت از محیط‌زیست «طبیعی» است. افسوس که این تحول بزرگ دوام چندانی نداشت و به فاصله پنج سال از بین رفت.

۱-۲-۴-۳. پیش‌نویس ۱۹۹۶: جرم‌زدایی نسبی از اکوساید

پس از آنکه نسخه ۱۹۹۱ پیش‌نویس کُد جنایات علیه صلح و امنیت بشری تدوین شد، جهت دریافت دیدگاه‌ها و پیشنهادهای دولت‌ها در اختیار آنها قرار گرفت. از ۲۳ مارس ۱۹۹۳، دبیر کل سازمان ملل متحد، ۲۳ پاسخ از کشورهای عضو و یک پاسخ از دولتی غیرعضو دریافت نمود. از میان ۲۴ کشور، تنها سه کشور، یعنی هلند، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا مخالف گنجاندن اکوساید در پیش‌نویس معاهده بودند. هلند تنها از درج چهار جنایت (به جز جنایت زیست‌محیطی) حمایت نمود. آمریکا جنایات علیه محیط‌زیست را ابهام‌آمیز و بریتانیا آن را جنایت بین‌المللی ناشناخته توصیف کرد (محمدعلیخانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰۹). با شدت گرفتن اختلاف نظر دولت‌ها بر سر جرم‌انگاری اکوساید، کمیسیون حقوق بین‌الملل در چهل و هفتمین نشست خود در سال ۱۹۹۵ تصمیم گرفت تا کارگروهی به منظور بررسی بیشتر موضوع تشکیل دهد. گزارش نهایی این کارگروه که از سوی کریستین تاموشات^۱ تهیه گردید، در آغاز چهل و هشتمین نشست کمیسیون در سال ۱۹۹۶ بررسی شد (International Law Commission,)

1. Christian Tomuschat.

15-27: 1996). *تاموشات سه الگو را جهت جرم‌انگاری جنایت اِکوساید به کمیسیون پیشنهاد نموده بود:*

۱- جرم‌انگاری جنایات زیست‌محیطی به عنوان یک جنایت مستقل؛

۲- جرم‌انگاری جنایات زیست‌محیطی به عنوان جنایت علیه بشریت؛ و

۳- جرم‌انگاری جنایات زیست‌محیطی به عنوان جنایت جنگی (Gauger et al, 2012: 10; and Higgins et al, 2013: 10).

کمیسیون هیچ یک از این پیشنهادها را نپذیرفت. نکته جالب این است که ماده ۲۶ با تصمیم یک‌جانبه رئیس کمیسیون و بدون رأی‌گیری از اعضای آن و احتمالاً در اثر فشار برخی قدرت‌ها و لابی‌های هسته‌ای، به صورت ناگهانی حذف گردیده و به مأموریت کارگروه یادشده پایان داده شد (Wijdekop, 2016: 2-3; and Gauger et al, 2012: 10-11). این اقدام رئیس، مورد اعتراض شدید برخی از اعضای کمیسیون قرار گرفت. این اعتراضات سبب شد تا کمیسیون به یکی از این دو گزینه تن دهد: یا اِکوساید در ذیل جنایات علیه بشریت (زمان صلح) قرار گیرد و یا اینکه مصدافی از جنایات جنگی به شمار آید (Higgins et al, 2013: 11). در نهایت، کمیته تدوین از درج اِکوساید ذیل جنایات علیه بشریت خودداری نموده و تنها به جرم‌انگاری اِکوساید جنگی بسنده نمود (Crasson, 2017: 39). به این ترتیب، آنچه از حدود بیست‌وشش تلاش برای جرم‌انگاری اِکوساید عاید جامعه بین‌المللی شد، تنها بند (چ) ماده ۲۰ بود که مقرر نمود:

«در زمان محاصرات مسلحانه، استفاده از روش‌ها یا جنگ‌افزارهایی که ضرورت‌های نظامی توسط آنها را توجیه نکرده و با قصد ایراد خسارات گسترده، ماندگار و شدید به محیط‌زیست طبیعی و از این طریق، ایراد آسیب‌های شدید به سلامتی و بقای جمعیت، به کار گرفته شوند و چنین آسیبی وارد شود [جنایت جنگی است].»

آنچه بسیار جالب است این است که در این بند، افزون بر ایرادهای موجود در نسخه ۱۹۹۱، تحقق اِکوساید مشروط به ایراد «آسیب‌های شدید به سلامتی و بقای جمعیت» شده است. این در حالی است که در نسخه پیشین چنین شرطی مشاهده نمی‌شود. نفس افزودن همین قید نیز بیانگر

عقب‌نشینی سیاست‌گذار جنایی بین‌المللی از مواضع پیشین خود است. افزون بر این، در این بند، «رویکرد زیست‌محور» جای خود را به «رویکرد انسان‌محور» داده است؛ زیرا هدف این بند، حمایت از سلامتی، حیات و بقای انسان‌ها است نه خود محیط‌زیست. نکته دیگر، افزوده شدن قید «ضرورت نظامی» است که در نسخه پیشین وجود نداشت. به این ترتیب، می‌توان گفت کمیسیون دچار سیر قهقرایی شدیدی شده و گام‌هایی بسیار بلند ولی رو به عقب برداشته است! آن گونه که از گزارش‌های موجود برمی‌آید، حذف این ماده به دلیل مخالفت برخی از دولت‌ها بوده است (Gauger et al, 2012: 11). در واقع، این بار نیز **دست نامرئی حاکمیت** بود که مانع از آن شد تا رؤیای جرم‌انگاری اکوساید به واقعیت تبدیل شود. این در حالی است که جریان غالب در کمیسیون تمایل به جرم‌انگاری اکوساید داشت (Higgins et al, 2013: 11). به این ترتیب، «طبیعت» و «بشریت»، به نفع «حاکمیت» به حاشیه رانده شد.

اگرچه با جرم‌زدایی از اکوساید عادی، ضربه سختی بر جنبش کیفری‌سازی هنجارهای زیست‌محیطی وارد شد و طبیعت در تیررس سیاست‌های بوم‌زدایانه قدرت‌های بزرگ (اکوساید دولتی)، ارتش‌های ملی (اکوساید نظامی) و شرکت‌های چندملیتی (اکوساید شرکتی) قرار گرفت، ولی این بار نیز طرفداران جرم‌انگاری اکوساید امید خویش را از دست نداده و به پیشواز پیش‌نویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رفتند که در آن ایام از سوی کمیسیون حقوق بین‌الملل در دست تدوین بود، دیوانی که فصلی نوین را پیش روی جامعه بین‌المللی گشوده و به دنبال استقرار و تثبیت «فرهنگ مسئولیت» و «پاسخگویی»، به جای «فرهنگ مصونیت» و «بی‌کیفرمانی» جنایتکاران بین‌المللی و دشمنان نوع بشر بود.

۲. رویکرد جامعه بین‌المللی نسبت به اکوساید پس از تأسیس دیوان کیفری

بین‌المللی

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (اساسنامه رُم)، مهم‌ترین سند کیفری در تاریخ حقوق کیفری بین‌المللی به‌شمار می‌رود؛ زیرا برای نخستین بار سنگ زیربنای یک دادگاه کیفری بین

المللی دایمی را بر زمین نهاد. از این رو، توجه این سند به موضوع اکوساید، بسیار مهم و تعیین کننده است. با توجه به همین نکته، در ادامه جایگاه اکوساید در اساسنامه و رویه قضایی این دیوان و برخی تلاش‌های نوین در راستای پیشگیری و مبارزه با اکوساید بررسی می‌شوند.

۱-۲. جرم‌انگاری اکوساید در اساسنامه رُم

با بررسی اساسنامه رُم روشن می‌گردد که تنها چهار جنایت نسل‌زدایی (ماده ۶)، جنایات علیه بشریت (ماده ۷)، جنایات جنگی (ماده ۸) و تجاوز سرزمینی (ماده ۸ مکرر)، در این سند جرم‌انگاری شده و در صلاحیت این دیوان قرار گرفته است (Novak, 2015: 43-50). بر این اساس، در بدو امر می‌توان گفت گفتمان حقوق محیط‌زیست در اساسنامه رُم جایگاه مطلوبی نداشته و تدوین‌کنندگان اساسنامه نیز دغدغه جرم‌انگاری جنایات علیه محیط‌زیست را نداشته‌اند. در نتیجه، جنایتی مستقل تحت عنوان اکوساید یا جنایات علیه محیط‌زیست در آن جرم‌انگاری نشده است (فهیمی و همکاران، ۱۳۹۳، ۲۶). با وجود این، اساسنامه رُم در یک جا سخن از «محیط‌زیست» به میان آورده و آن نیز ماده ۸(۲)(ب)(۴) است. به موجب این بند (در واقع نیم‌بند): «انجام عمدی حمله‌ای با علم به اینکه چنین حمله‌ای باعث تلفات جانی یا آسیب به غیرنظامیان یا خسارت به اهداف غیرنظامی یا آسیب گسترده، دراز مدت و شدید به محیط‌زیست خواهد شد و آشکارا نسبت به مجموعه فایده نظامی ملموس و مستقیم مورد انتظار از آن بیش از اندازه است، [جنایت جنگی است]» (شریعت‌باقری، ۱۳۹۰: ۱۱-۱۲).

این بند سبزترین قسمت اساسنامه رُم است که به موضوع محیط‌زیست اشاره کرده و از آن در برابر حملات نظامی حمایت کرده است. به موجب این هنجار کیفری سبز، تخریب شدید، گسترده و دیرپای محیط‌زیست، با شرایطی خاص به عنوان جنایت جنگی به شمار آمده است که

از آن به «اکوساید جنگی» تعبیر می‌شود.^۱ این اقدام از حیث جرم‌انگاری و کیفرسازی حمایت از محیط‌زیست نقطه عطف مهمی در تاریخ حقوق بین‌الملل به طور عام و حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به طور خاص به شمار می‌رود (Lawrence et al, 2007: 2). زیرا برای نخستین بار است که در معاهده‌ای بین‌المللی تصریح شده است که خسارت عمدی گسترده، شدید و دیرپا به محیط‌زیست جنایتی بین‌المللی قلمداد می‌شود (زمانی، ۱۳۸۱: ۴۴-۴۳). وانگهی، این بند با رویکرد زیست‌محور تنظیم شده و «محیط‌زیست طبیعی» به طور مستقل مورد حمایت کیفری قرار گرفته است، که بیانگر ارزش ذاتی طبیعت و به بیان بهتر غایت راهی است که حقوق محیط‌زیست به دنبال آن است (Lopez, 2006: 232). این تغییر نگرش فلسفی سبب شکل‌گیری نخستین جنایت جنگی واقعاً بوم‌محور^۲ در اساسنامه^۳ رُم شده است (Lawrence et al, 2007: 11-12).

با وجود این، این الگوی جرم‌انگاری با چند ایراد اساسی روبه‌رو است. نخست اینکه دامنه جنایت اکوساید به زمان مخاصمات مسلحانه محدود شده است. به عبارت دیگر، اساسنامه تنها اکوساید جنگی را جرم‌انگاری نموده و از ارتکاب اکوساید در زمان صلح غفلت ورزیده است. دوم اینکه گستره موضوعی این قاعده تنها شامل مخاصمات مسلحانه بین‌المللی است؛ این در حالی است که بیشتر مخاصمات مسلحانه در جهانی کنونی، از نوع غیربین‌المللی هستند.^۳ سوم اینکه در این بند، آستانه بالایی^۴ برای تحقق «جنایات جنگی زیست‌محیطی» تعیین شده است. به

۱. بنگرید: محمدنسل، غلامرضا (۱۳۸۵)، مجموعه مقررات دیوان بین‌المللی کیفری، چاپ یکم، تهران، انتشارات دادگستر، صص. ۲۴۰-۲۳۹؛ و دورمن، کنوت و همکاران (۱۳۹۳)، عناصر جنایات جنگی در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، ترجمه زهرا جعفری و همکاران، چاپ یکم، تهران، انتشارات مجد، صص. ۲۵۶-۲۳۶.

2. The first genuinely ecocentric war crime.

۳. گفتنی است تدوین‌کنندگان اساسنامه رُم به دنبال توسعه گستره حمایتی این قاعده به مخاصمات مسلحانه داخلی بودند،

ولی این پیشنهاد به طور صریح رد شد. بنگرید:

Report of Working Group on the Definition of War Crimes, Draft Consolidated Text 1, A/AC.249/1997/WG.1/CRP.2 (Feb. 11-21, 1997).

۴. High threshold.

این صورت که سه شرط همزمان برای تحقّق رکن مادی اِکوساید در نظر گرفته شده است که دامنه جرم‌انگاری را بسیار محدود ساخته و میزان حمایت کیفری از محیط‌زیست را به شدت کاهش می‌دهد. پیامد این امر، بی‌کیفرمانی مرتکبین اِکوساید است (Lopez, 2006: 268). **چهارم** اینکه هیچ تعریفی از این سه شرط مبهم و کلی ارائه نشده است تا راهنمای سیاست‌گذاران جنایی قضایی و اجرایی دادگاه باشد یا در قانونگذاری‌های داخلی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. در نتیجه، پیش‌بینی این امر که دادگاه چه نوع آسیب‌های زیست‌محیطی را به اندازه کافی نابودکننده و بالتبع جنایت‌جنگی به شمار خواهد آورد تقریباً غیرممکن است (Lawrence et al, 2007: 13). همین کلی‌گویی و مبهم‌نویسی سبب شده است تا برخی از حقوق‌دانان، از سال‌ها پیش، این بند اساسنامه را «قانون متروک» و یا «متن مرده»^۱ به شمار آورند (Lopez, 2006: 260).

نتیجه آنکه با وجود اقدام درخور تحسین اساسنامه رُم در جرم‌انگاری اِکوساید جنگی، سیاست جنایی کنونی به شدت قابل انتقاد است، چرا که نمی‌تواند حمایت مناسبی از محیط‌زیست جهانی در برابر اِکوساید نماید. از این رو، باید تدبیری مناسب جهت اصلاح اساسنامه رُم و توسعه صلاحیت این دیوان اندیشیده شود. نارسایی‌ها و محدودیت‌های کنونی سبب شده‌اند تا ایده‌های نوینی جهت جرم‌انگاری و تعقیب اِکوساید ظهور کنند.^۲

۲-۲. افق‌های نو در راستای جرم‌انگاری و تعقیب اِکوساید

از آنجا که اساسنامه رُم نتوانست انتظارات حامیان محیط‌زیست را به شیوه مطلوب برآورده سازد، در سال‌های اخیر چندین اقدام مهم در راستای جبران نارسایی‌های اساسنامه رُم و جرم‌انگاری و تعقیب اِکوساید انجام شده است که امید را دوباره در دل حامیان جرم‌انگاری

1. Dead letter.

۲. شایان یادآوری است که مفاد این بند از اساسنامه رُم، با الگوبرداری از همین سند کیفری، در اساسنامه برخی از دیوان‌های بین‌المللی کیفری تلفیقی / دورگه / ویژه‌ای که پس از این تاریخ تأسیس شده‌اند، نیز وارد شده است.

اِکوساید زنده کرده است. این تلاش‌های سبز را می‌توان در سیاست‌نامه تعقیبی دادستان دیوان کیفری بین‌المللی و طرح پالی‌هیگینر مشاهده نمود.

۲-۱-۲. ظهور یک سیاست تعقیبی سبز در دادسرای دیوان کیفری بین‌المللی

دادستان دیوان کیفری بین‌المللی در سیاست‌نامه تعقیبی جدید دفتر دادستانی دیوان که در سال ۲۰۱۶ منتشر گردید، توجه ویژه‌ای به جنایات زیست‌محیطی نموده و برای نخستین بار جنایات زیست‌محیطی را نیز در زمان گزینش وضعیت‌ها و پرونده‌ها در کانون توجه خود قرار داده است. در این رابطه، در بند (۴۱) این سند مقرر شده است:

«... دفتر دادستانی، توجه ویژه‌ای نسبت به پیگرد آن دسته از جنایات اساسنامه رُم که از طریق رفتارهایی مانند نابودی محیط‌زیست، بهره‌برداری غیرقانونی از منابع طبیعی یا تصاحب غیرقانونی زمین ارتکاب می‌یابند یا رفتارهایی که منجر به چنین پیامدهایی می‌شوند، خواهد داشت» (Office of the Prosecutor, 2016: 14).

در این بند کوتاه، دادستان به طور «تمثیلی» به چند گونه رفتار ضد محیط‌زیستی اشاره نموده است: (الف) نابودی محیط‌زیست، (ب) بهره‌برداری غیرقانونی از منابع طبیعی و (پ) تصاحب غیرقانونی زمین، که جملگی می‌توانند با وجود شرایطی به عنوان اِکوساید به شمار روند، به ویژه اینکه «نابودی محیط‌زیست» ارتباط مستقیم و تنگاتنگی با جنایت اِکوساید دارد. بدین‌سان، با وجود آنکه سیاست‌گذار جنایی تقنینی توجه مطلوبی به جنایات زیست‌محیطی نداشته، سیاست‌گذار جنایی قضایی تمایل خود را به تعقیب جنایات زیست‌محیطی، به ویژه در زمان صلح، نشان داده است. با این اقدام، دادستان دادگاه (فاطو بن سودا)^۱ بر آن است تا در کنار موضوعات و چالش‌های مهمی که در دو سند دیگر دفتر دادستانی به آن اشاره کرده (یعنی خشونت جنسی^۲

1. Fatou Bensouda.

2. See: Office of the Prosecutor (2014), Policy Paper on Sexual and Gender-Based Crimes, 20 June, available at: <https://www.icc-cpi.int/Pages/item.aspx?name=policy-paper-on-sexual-and-gender-based-crimes-05-06-2014>.

و سربازگیری کودکان)،^۱ به موضوع جدیدی نیز توجه کند که همانا جنایات زیست محیطی است. بدین سان، می توان گفت با این اقدام، احتمال تعقیب موفقیّت آمیز جنایات زیست محیطی در این دیوان فراهم گردیده است (Crasson, 2017: 38).

در این سند، دادستان از دو منظر به جرایم زیست محیطی توجه نموده است: نخست، حالتی که محیط زیست به عنوان یک ابزار برای ارتکاب سایر جنایات به کار می رود، که نمونه بارز آن «جنگ زیست محیطی» یا «پاکسازی زیست محیطی» است (رویکرد رفتارگرا یا ابزارگرا). مثال این حالت موردی است که محیط زیست یا منابع آبی یک اقلیت قومی یا مذهبی تخریب یا آلوده شود تا آنان مجبور به مهاجرت یا اخراج از آن منطقه شوند؛ و دوم، حالتی که در آن، نتیجه یک رفتار یا اثر جانبی آن، تخریب، نابودی و آسیب به محیط زیست است (رویکرد پیامدگرا). مثال حالت دوم زمانی است که در جریان حملات نظامی به مواضع یک طرف مخاصمه مسلحانه، محیط زیست آن نیز ویران و نابود می شود. چنین حالتی بارها در جریان حملات اسرائیل به نوار غزه رخ داده است (نجفی اسفاد و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۴۱-۲۰۵). بدین سان، می توان گفت دادستان دیوان رویکردی جامع و همه جانبه نسبت به جنایات زیست محیطی دارد.^۲

با این حال، باید توجه داشت که صدور این سند به معنای توسعه صلاحیت موضوعی (ذاتی) دیوان یا حقوق قابل اعمال در آن نیست. هیچ جنایت جدیدی، مانند جنایت اِکوساید، به فهرست صلاحیت موضوعی آن اضافه نشده و اساسنامه دیوان نیز اصلاح نشده است، بلکه توصیف و

1. See: Office of the Prosecutor (2014), Policy Paper on Children, 15 November, available at: <https://www.icc-cpi.int/Pages/item.aspx?name=161115-otp-policy-children>.

۲. تحوّل در سیاست دادستان را نمی توان با تبار افریقایی ایشان بی ارتباط دانست. ایشان به درستی به نقش بحران های زیست محیطی در ایجاد تنش ها و درگیری های قومی و قبیله ای و همچنین سهم منابع طبیعی در تأمین منابع مالی درگیری های مسلحانه در سرزمین افریقای برده اند (Ari, 2016). به این ترتیب، دادستان در صدد است تا جرایم مانع یا بازدارنده ای ایجاد نموده و راه وقوع جنایات شدیدتر را مسدود سازد. بنگرید:

Exenberger, Andreas et al (2014), "Genocidal risk and climate change: Africa in twenty-first century", *The International Journal of Human Rights*, Vol. 18, No. 3, pp. 350-368.

برداشت جدیدی از همان جنایات چهارگانه ارائه شده است که از آن با عنوان رویکرد یا الگوی «تفسیر سبز» یا «تفسیر زیست‌محیطی» اساسنامه رُم یاد می‌شود. در واقع، با این خوانش سبز از اساسنامه رُم، رفتارهای ارتكابی علیه محیط‌زیست، در صورت داشتن عناصر و شرایط لازم برای تحقق سایر جنایات در صلاحیت دیوان، حسب مورد ممکن است تجاوز سرزمینی، جنایت نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت^۱ و یا جنایت جنگی به شمار روند.

۲-۲-۲. ابتکار هیگینز برای جرم‌انگاری اکوساید

در سال ۲۰۱۰، پالی هیگینز، حقوق‌دان، وکیل و فعال محیط‌زیست اسکاتلندی، اندیشه جرم‌انگاری اکوساید و لزوم توجه شایسته و بایسته جامعه بین‌المللی به این موضوع را از نوزنده ساخت.^۲ ایشان در راستای اثربخش کردن تلاش‌های خود، طرح جرم‌انگاری جنایت اکوساید را نیز آماده نموده و به کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد ارائه کرد تا از رهگذر اصلاح اساسنامه رُم، این جنایت نیز در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قرار گیرد (Higgins et al, 2013: 7). بر اساس تعریف هیگینز، اکوساید عبارت است از:

۱. برای نمونه، استخراج نفت از سوی شرکت‌های نفتی بزرگ غربی، پیامدهای بسیار ویرانگری برای مردم بومی دلتای نیجر داشته و منجر به آوارگی و مهاجرت آنان شده است که می‌توان آن را مصداقی از ارتكاب جنایت اکوساید (اکوساید نفتی) دانست. بنگرید:

Donatus, Peter (2016), "Ecocide in the Niger delta", 21 April, available at: <https://www.pambazuka.org/global-south/ecocide-niger-delta>, last visited: 17 January 2019.

۲. هیگینز ایده‌های خود را در سه کتاب زیر تبیین نموده است:

- Higgins, Polly (2016), *I DARE TO BE GREAT*, Third Edition, London, Clink Street Publishing.
- Higgins, Polly (2015), *Eradicating Ecocide: Laws and Governance to Prevent Destruction of our Planet*, Second Edition, London, Shephard Walwyn Publishers Ltd.
- Higgins, Polly (2012), *Earth is our business: Changing the Rules of play*, London, Shephard Walwyn Publishers Ltd.

«تخریب، آسیب یا زیان‌رسانی گسترده به زیست‌بوم(های) یک منطقه معین، خواه توسط عامل انسانی یا سایر عوامل، به اندازه‌ای که بهره‌مندی مسالمت‌آمیز ساکنان آن قلمرو را به طور شدید مختل سازد» (Higgins et al, 2012: 4).

بر اساس این طرح، رفتارهای زیان‌بار شدید و گسترده علیه تمامی گونه‌ها و عناصر زیستی، از جمله خاک‌ها، دریاها، درخت‌ها، جانوران، ماهی‌ها، انسان‌ها و ... می‌توانند تحت عنوان جنایت اکوساید مورد تعقیب قرار گیرند. به زعم هیگینز، بهره‌برداری گسترده و ناروا از منابع زیست‌محیطی، تخریب آنها، ایراد آسیب شدید به گونه‌های گیاهی و جانوری و آلودگی هوا و آب از سوی بنگاه‌های اقتصادی و شرکت‌های دولتی، چندملیتی و فراملی، پیامدهای زیان‌بار و گاه مهلکی برای انسان‌ها، بومیان، جوامع محلی، محیط‌زیست و عناصر آن داشته و منجر به نابودی و ویرانی زیست‌بوم این مناطق گردیده است. پیامد این امر، نابودی منابع حیاتی بشر و در نهایت، افزایش درگیری میان جوامع انسانی است. از این رو، جرم‌انگاری اکوساید، آن نیز در قالب یک جرم مادی صرف (با مسئولیت مطلق)^۱ (Higgins et al, 2013: 12-13)، یک نیاز اساسی است که جامعه بین‌المللی نباید از آن غفلت ورزد.

هیگینز به منظور پیشبرد طرح خود، درصدد جلب حمایت رهبران و رئیس‌ان دولت‌ها، حقوق‌دانان، رهبران و مدیران تجاری، جامعه مدنی و جامعه بین‌المللی نیز برآمده است. با گسترش بحران تغییرات اقلیمی و گرمایش جهانی، ایشان بر روی کشورهای جزیره‌ای کوچک - که در معرض تهدید غرق شدن هستند - تمرکز ویژه‌ای نموده است. هدف هیگینز از طرح جنایت اکوساید، ایجاد یک «وظیفه مراقبت»^۲ برای پیشگیری از «اکوسایدهای انسان‌ساز»^۳ است (Wijdekop, 2016: 3). جرم‌انگاری اکوساید به عنوان جنایتی بین‌المللی سبب می‌شود تا از کمیّت و کیفیت جرایم زیست‌محیطی یا اکولوژیکی^۴ به شدت کاسته شود. زیرا در هر مورد که دولت‌ها

1. Strict Liability Crime / Offence.

2. Duty to care.

3. Human-induced Ecocide.

4. Ecological Crimes.

و دادگاه‌های داخلی نخواهند یا نتوانند تدابیر مؤثری اتخاذ کنند، دیوان کیفری بین‌المللی وارد عمل شده و مرتکبان اِکوساید را تعقیب، محاکمه و پاسخگو می‌سازد.^۱

نتیجه

تلاش‌های جامعه بین‌المللی جهت جرم‌انگاری اِکوساید تا به امروز به غایت مطلوب خویش نرسیده و در هر بار دست نامرئی حاکمیت و منافع شرکتی سبب شده است تا اندیشه جرم‌انگاری اِکوساید نتواند به سر منزل مقصود رسد. این در حالی است که از حدود دهه ۱۹۷۰ م. این نکته مسلم شده است که جنایت اِکوساید تهدیدی علیه صلح، امنیت و رفاه جهانی است. وانگهی، جنایات علیه محیط‌زیست، به ویژه جنایت اِکوساید، در تعارض آشکار با حقوق بنیادین بشر است. توضیح اینکه اِکوساید، به عنوان شدیدترین نوع ویران‌گری و آلوده‌سازی محیط‌زیست، هر سه نسل حقوق بشر، یعنی حقوق مدنی و سیاسی (حق کرامت، حق حیات، حق امنیت شخصی، حق مالکیت و ...)، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (حق بر آب سالم، حق بر غذای کافی، حق بهداشت و سلامتی، حق سرپناه، حق کار و ...) و حقوق همبستگی (حق بر صلح، حق بر توسعه، حق بر محیط‌زیست سالم و پاک و ...) را تهدید می‌نماید. از این رو، در راستای صیانت از حقوق بنیادین بشر و پاسداری از کرامت انسانی، ضروری است که جامعه بین‌المللی، اقداماتی اساسی را جهت پایان‌بخشی به اِکوساید و تخریب و ویرانی سیاره زمین انجام دهد. به نظر می‌رسد دادستان دیوان کیفری بین‌المللی با درک همین نیاز اساسی است که نخستین گام اِکوسایدستیز خود را برداشته است.

۱. جنبش‌های اجتماعی در حال ظهور، به ویژه جنبش «به اِکوساید بر روی زمین پایان دهید» (End Ecocide on Earth) نیز طرح هیگینز را تکمیل کرده‌اند. جنبش اخیر طرحی برای اصلاح اساسنامه ژم و جرم‌انگاری اِکوساید تدوین کرده است که بر حمایت از خدمات زیست‌بوم و مشترکات جهانی (از جمله جو، اقیانوس‌ها و دریاها) فراتر از آب‌های سرزمینی، شمالگان، جنوبگان و گونه‌های مهاجر) تمرکز دارد (Wijdekop, 2016: 3).

ورود دادستان دیوان کیفری بین‌المللی به حوزه جنایات علیه محیط‌زیست و به ویژه اِکوساید، نویدبخش آغاز فصلی نوین در تاریخ حقوق کیفری بین‌المللی و «حقوق اِکوساید» است. این سیاست تعقیبی سبز، امیدها جهت جرم‌انگاری اِکوساید و تعقیب مرتکبین آن در یک دادگاه کیفری بین‌المللی را از نو زنده ساخته است، به گونه‌ای که می‌توان گفت این بار سیاست‌گذار جنایی قضایی است که به سیاست‌گذار جنایی تقنینی بین‌المللی، جهت حرکت را نشان می‌دهد. قرار گرفتن جنایات زیست‌محیطی در سیاست تعقیبی دادستان نقش مهمی در ارتقای جایگاه ارزش‌ها و هنجارهای زیست‌محیطی، توسعه گستره جنایت اِکوساید از اِکوساید جنگی به اِکوساید در زمان صلح، کاهش بی‌کیفرمانی جنایات زیست‌محیطی، بازدارندگی از ارتکاب اِکوساید، توسعه جرم‌انگاری و تعقیب اِکوساید در نظام‌های حقوقی داخلی، احیای نهضت جرم‌انگاری اِکوساید و ... خواهد داشت.

انتظار بسیار می‌رود که جامعه بین‌المللی با پیروی از این سیاست نوپیدا، اقدام به جرم‌انگاری اِکوسایدِ عادی (زمان صلح)، به عنوان «پنجمین جنایت علیه صلح» نموده و به چرخه بی‌کیفرمانی جنایتکاران زیست‌محیطی بزرگ (بوم‌زدایان) پایان دهد. جامعه بین‌المللی نباید این سیاست سبز دادستان را نادیده گرفته و یا کم‌اهمیت پندارد، بلکه می‌بایست با توسعه این سیاست جنایی سبز، زمینه را برای جرم‌انگاری جنایات زیست‌محیطی، تحت عنوان جنایت اِکوساید، فراهم ساخته و با اعلام ممنوعیت جهانی آن، تعقیب و محاکمه آنها را در صلاحیت عالی‌ترین دادگاه‌های کیفری جهانی قرار دهد.^۱ جرم‌انگاری و تعقیب اِکوساید، از یک سو سبب توسعه و ترویج یک اخلاق زیست‌محیطی نوپیدا در جامعه بین‌المللی گردیده و جایگاه ارزش‌ها و هنجارهای زیست‌محیطی را در منظومه هنجاری حقوق بین‌الملل معاصر ارتقاء می‌بخشد و از سوی دیگر، کارکردی بازدارنده داشته و مانع از استمرار چرخه «خشونت زیست‌محیطی» و سیاست‌های بوم‌زدایانه در

۱. در کنفرانس پاریس (۲۰۱۵)، رئیس‌جمهور اکوادور، رافائل کورآ (Rafael Correa) با حمایت بولیوی و ونزوئلا، خواستار تشکیل یک دادگاه بین‌المللی محیط‌زیست جهت رسیدگی و کیفر جنایات علیه طبیعت و تصویب «اعلامیه بین‌المللی حقوق طبیعت» گردید (Wijdekop, 2016: pp. 3-4).

سیاره مسکون می‌گردد، سیاست‌هایی که حیات و بقای تمامی گونه‌های انسانی، گیاهی و جانوری را در معرض تهدید جدی قرار داده‌اند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

الف. فارسی

- بختیاری اصل، فریبرز (۱۳۷۶)، *حفاظت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی*، چاپ یکم، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- دورمان، کنوت و همکاران (۱۳۹۳)، *عناصر جنایات جنگی در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری*، ترجمه زهرا جعفری، زهرا محمودی و پریسا سفیدپری، چاپ یکم، تهران، انتشارات مجد.
- راعی دهقی، هاجر و همکاران (۱۳۹۵)، «حفاظت از محیط‌زیست در قبال خسارات ناشی از درگیری مسلحانه»، فصلنامه علوم محیطی، دوره چهاردهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵، صص. ۱۵۳-۱۳۹.
- رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۰)، «از ممنوعیت تا جرم‌انگاری تخریب محیط‌زیست در حقوق بین‌الملل»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ضمیمه شماره ۵۶، صص. ۵۶۰-۵۳۳.
- زمانی، سید قاسم (۱۳۸۱)، «توسعه‌ی مسؤلیت بین‌المللی در پرتو حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، شماره ۱.
- زمانی، سید قاسم (۱۳۸۸)، «جرم‌انگاری تخریب محیط‌زیست در حقوق بین‌الملل»، در: *حقوق محیط‌زیست: نظریه‌ها و رویه‌ها*، به اهتمام احمدعلی محسن‌زاده و همکاران، چاپ یکم، تهران، انتشارات خرسندی.
- شریعت باقری، محمدجواد (۱۳۹۰)، *اسناد دیوان کیفری بین‌المللی*، چاپ دوم، تهران، انتشارات جنگل (جاودانه).
- عبدالهی، محسن (۱۳۸۸)، «جنایت بر ضد محیط‌زیست در حقوق بین‌الملل»، در: عبدالهی، محسن و همکاران، *حقوق کیفری محیط‌زیست: ملاحظات و راهکارها*، چاپ یکم، تهران، انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.



- فهیمی، عزیزاله و همکاران (۱۳۹۳)، *اندیشه‌های حقوق محیط‌زیست*، چاپ یکم، قم، انتشارات دانشگاه قم.
- کالیون، کینت مک (۱۳۸۳)، «اجرای عدالت درباره محیط‌زیست بین‌المللی: حقوق و راه‌حل‌ها»، ترجمه محمدحسین زاهدین لباف، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره سی و یکم.
- کیتی شیازری، کریانگ ساک (۱۳۸۳)، *حقوق بین‌الملل کیفری*، ترجمه بهنام یوسفیان و همکاران، چاپ یکم، تهران، انتشارات سمت.
- ماروما، مرما و همکاران (۱۳۹۳)، *حمایت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بین‌الملل*، ترجمه و تحقیق: سید علی حسینی آزاد و همکاران، چاپ یکم، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- محمدعلیخانی، ندا و همکاران (۱۳۹۶)، «تبیین مفاهیم جنایت علیه محیط‌زیست»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس*، سال هفتم، شماره ۳۰، تابستان.
- ممتاز، جمشید (۱۳۷۳)، «تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل کیفری»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۵، اردیبهشت.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و همکاران (۱۳۷۴-۱۳۷۳)، «درآمدی بر پیش‌نویس قانون بین‌المللی جزا»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره‌های ۱۸ و ۱۹.
- نجفی اسفاد و همکاران (۱۳۹۱)، «ضرورت تأسیس دادگاه بین‌الملل محیط‌زیست جهت حمایت کیفری و حقوقی از محیط‌زیست در مقابل خسارات وارده در جنگ ۲۲ روزه غزه»، *فصلنامه راهبرد*، سال بیست و یکم، شماره ۶۳، تابستان.

ب. منابع انگلیسی

- Ari, Phillips (2016). "Environmental destruction will be tried as a crime against humanity, like war (crimes) or genocide", 26/09/2016, available at: <http://fusion.net/story/350492/environmental-destruction-is-crime-against-humanity-says-international-court/>, Last Visited: 18/02/2017.
- Crasson, Audrey (2017), "The case of Chevron in Ecuador: The Need for an International Crime against the Environment", *Amsterdam Law Forum*, Vol. 9: 3.

- Falk, Richard A. (1973), "Environmental Warfare and Ecocide: Facts, Appraisal and Proposals", March, Vol. 4.
- Gauger, Anja et al (2012), "The Ecocide Project: 'Ecocide is the missing 5th crime against peace' ", Human Rights Consortium, School of Advanced Study, University of London.
- Gray, Mark Allan (1995). "The International Crime of Ecocide", *California Western International Law Journal*, Vol. 26, No. 2.
- Higgins, Polly et al. (2012), "Protecting the planet after Rio – the need for a crime of ecocide", Centre for Crime and Justice Studies, No. 90, December.
- Higgins, Polly et al. (2013), "Protecting the planet: a proposal for a law of ecocide", *Crime, Law and Social Change*, Vol. 59, No. 1.
- International Law Commission (1996), "Document on Crimes against the environment by Mr. Christian Tomuschat, Member of the Commission", Extract from the Yearbook of the International Law Commission, Vol. II (1).
- Kalkandelen, Kübra et al. (2017), "On ecocide: toward a conceptual framework", *Distinktion: Journal of Social Theory*, Vol. 18, No. 3.
- Katz, Rebecca S. (2012), "Environmental pollution: Corporate crime and cancer mortality", *Contemporary Justice Review*, Routledge Taylor & Francis Group, Vol. X, No. X, XXXX 2012, XXX-XXX, March.
- Lawrence, Jessica C. et al. (2007), "The Limits of Article 8(2)(b)(iv) of the Rome Statute, The First Ecocentric Environmental War Crime:", *Georgetown International Environmental Law Review*, Fall.
- Lopez, Aurelie (2006), "Criminal Liability for Environmental Damage Occurring in Times of Non-International Armed Conflict: Rights and Remedies" □ *Fordham Environmental Law Review*, Vol. 18, No. 2.
- Metha, Sailesh et al. (2015). "Ecocide – a new crime against peace", *Environmental Law Review*, Vol. 17 (1).
- Novak, Andrew (2015), *The International Criminal Court: An Introduction*, Springer International Publishing, First publication, Switzerland.
- Office of the Prosecutor (2016), "Policy Paper on Case Selection and Prioritisation", 15 September, available at: <https://www.icc-cpi.int/Pages/item.aspx?name=policy-paper-on-case-selection-and-prioritisation>.
- Pettigrew, Harry W. (1971), "A Constitutional Right of Freedom From Ecocide", *Environmental Law*, Vol. 2, No. 1, Winter.
- Wijdekop, Femke (2016), "Against Ecocide: Legal Protection for Earth", August, pp. 1-6, available at: <https://www.green-technology.org/magazinews/against-ecocide-legal-protection-for-earth/>, Last visited: 13 december 2017.
- Zierler, David (2011), *The invention of ecocide: agent orange, Vietnam, and the scientists who changed the way we think about the environment*, First publication, The University of Georgia Press.